

## رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری با استرس فرزندپروری در مادران منطقه یک شهر تهران

مژگان دالایی<sup>(۱)</sup>، دکتر احمد عاشوری<sup>(۲)</sup>، دکتر مجتبی حبیبی<sup>(۳)</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر بررسی رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری، با شدت استرس فرزندپروری مادران منطقه یک شهر تهران بود. **روش:** جامعه آماری این پژوهش شامل مادران کودکان ۳ تا ۶ ساله‌ای بود که فرزندان خود را به کودک‌سراهای منطقه یک تهران می‌سپردند. نمونه آماری از ۱۹۲ نفر از این مادران تشکیل شد که به‌طور تصادفی از میان آنها انتخاب شدند و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامرند، مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و پرسشنامه استرس فرزندپروری مادران را تکمیل کردند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری با شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/01$ ). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که انسجام متوازن، انعطاف‌پذیری آشفته و فرزندپروری مستبدانه، بیشترین تأثیرگذاری را در پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران دارند. **نتیجه‌گیری:** انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و همچنین، سبک‌های فرزندپروری با شدت استرس فرزندپروری والدین ارتباط دارند.

**کلیدواژه:** انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده؛ سبک‌های فرزندپروری؛ استرس فرزندپروری

[دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱]

### مقدمه

عمده‌ترین نهاد اجتماعی و اولین نظام مؤثر بر نحوه رشد و تحول کودکان و نوجوانان دانسته شده است. یکی از کسانی که با نگرشی منظم، این نقش خانواده بررسی کرد، اولسون<sup>۵</sup> بود. او مدلی مرکب از سیستم خانواده و روابط زناشویی را ارائه کرده است که در واقع، پل ارتباطی بین نظریه و عمل است (۴). انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده دو بُعد از نظریه اولسون هستند که نقش بسزایی در ایجاد یا کاهش استرس فرزندپروری<sup>۶</sup> والدین دارند. انسجام خانواده<sup>۷</sup> نشانه پیوندهای عاطفی است که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند و شامل مؤلفه‌هایی، مانند رابطه عاطفی، تعامل خانوادگی، روابط

بر اساس مدل آسیب‌پذیری-استرس<sup>۱</sup> در آسیب‌شناسی روانی، پژوهش‌های زیادی نقش خانواده را به‌عنوان عامل زمینه‌ساز در آسیب‌پذیری افراد بررسی و نقش روابط و تعاملات والد-فرزندی و شیوه‌های فرزندپروری<sup>۲</sup> را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل خانوادگی مؤثر بر سلامت روانی افراد، تأیید کرده‌اند (۱،۲). دارلینگ<sup>۳</sup> و استنبرگ<sup>۴</sup> معتقدند که سبک‌های فرزندپروری، ماهیت روابط والد-کودک و کیفیت روابط بین والدین و کودکان را مشخص می‌کنند (۳). خانواده، با توجه به نقش مهمی که در شکل‌گیری رفتار فرزندان دارد،

<sup>(۱)</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، واحد ساوه، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی. دورنگار: ۰۲۱-۲۲۰۲۷۲۰۸ (نویسنده مسئول)

E-mail: mojgandalaee@yahoo.com؛ دکترای روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز تحقیقات بهداشت روان، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان -

انستیتو روانپزشکی تهران؛<sup>(۳)</sup> دکترای تخصصی روانشناسی سلامت، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

1- diathesis-stress model

2- child rearing style

3- Darling

4- Steinberg

5- Olson

6- parental stress

7- family cohesion

غیرارادی هستند. در واقع، فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای مشخصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند (۳).

بامریند<sup>۲</sup> در نظریه سبک‌های تربیتی خود، مشخصات سه سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۳</sup>، مستبدانه<sup>۴</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۵</sup> را بیان کرده است. والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، در مورد قواعد و رفتارها با فرزندانشان مشارکت می‌کنند و پیشنهادهای آنها همراه با اجبار نیست. آنها بر رفتارهای فرزندانشان کنترل جدی اعمال می‌کنند و در عین حال، نظر فرزندان را می‌شنوند و حتی گاه بر طبق نظر آنها رفتار می‌کنند. این والدین در برابر فرزندان خود احساس مسئولیت و انتظارات بالا و صریح دارند و رفتار فرزندان را هدایت می‌کنند. از طرف دیگر، والدین مستبد اطاعت بی‌چون و چرا و مبادله یک‌طرفه افکار را می‌خواهند و در رفتار و منش خود انعطاف‌ناپذیرند. سخت‌گیری این والدین، به واسطه ایجاد حالات روانی منفی، باعث می‌شود فرزندان احکام آنها را نپذیرند. والدین سهل‌گیر مطالبات کمتری دارند و نظارت تربیتی آنان بسیار کم است. آنها صمیمی و پاسخ‌گو هستند، اما انتظارات روشنی ندارند و رفتار فرزندان را هدایت نمی‌کنند. موفقیت والدینی که تمایل به سبک مستبدانه یا سلطه‌جویانه دارند، در مقایسه با والدینی که از سبک مقتدرانه و واقع‌بینانه استفاده می‌کنند، در انتقال ارزش‌ها و عقاید خود به فرزندان کمتر است. هرچند سهل‌گیری والدین مانعی در برابر انتقال کامل ارزش‌ها از والدین به فرزندان است، اثر مداخله‌گر این شیوه تربیتی در ممانعت از انتقال ارزش‌ها به مراتب کمتر از تأثیر مداخله‌گر سبک تربیتی مستبدانه است (۹).

اگرچه در مرور پیشینه مطالعاتی، پژوهشی با عنوان متغیرهای مورد مطالعه به دست نیامد، بررسی‌های زیادی شیوه‌های فرزندپروری والدین کودکان دچار مشکلات رفتاری و ناتوانی‌های ذهنی را بررسی کرده‌اند (۱۰-۱۳). نتایج این پژوهش‌ها نشان داده‌اند والدینی که درگیر پرورش فرزندی با نیازهای ویژه هستند، نسبت به والدین فرزندان بهنجار، استرس بیشتری را تجربه می‌کنند. لیدی<sup>۶</sup> و همکاران در یک مطالعه با عنوان رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مثبت و انسجام خانواده و حمایت اجتماعی در میان خانواده‌های

پدر و مادر، رابطه فرزندان و والدین، میزان تعامل از لحاظ زمان و مکان، نوع دوستی و علائق و نهایتاً، نحوه گذراندن اوقات فراغت است (۵). اگر خانواده که مرکب از والدین و فرزندان است، از هماهنگی، انسجام و تفاهم متقابل زن و شوهر برخوردار باشد، زمینه زندگی سالم خانوادگی را فراهم می‌کند. اما اگر واحد خانواده انسجام و هماهنگی نداشته باشد، به فروپاشی و انهدام تهدید می‌شود و پایه و اساس آن فرو می‌ریزد (۴). بُعد دوم از نظریه اولسون، انعطاف‌پذیری<sup>۱</sup> است که شامل مقدار تغییراتی است که در نقش‌ها، قوانین و انضباط خانواده وجود دارد. به نظر اولسون، خانواده‌ای متعادل است که انعطاف‌پذیری اعضای آن در سطح متوسط باشد (۶). استرس والدین تأثیر نامطلوبی روی تعاملات والد-کودک و در نتیجه، تشدید مشکلات خانواده خواهد داشت (۷). تلاش‌های زیادی برای شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار فرزندپروری و تعاملات والد-کودک صورت گرفته است. یکی از این عوامل استرس فرزندپروری است. استرس فرزندپروری نوعی اضطراب و تنش افراطی است که به نقش والد و تعاملات والد-کودک وابسته است. برداشت والدین از رفتار کودک، در دسترس بودن منابع حمایتی و احساس شایستگی والدین در مورد پرورش فرزندان متغیرهایی اثرگذار هستند. استرس ممکن است موجب افزایش ایرادگیری و تحریک‌پذیری والدین شود و احتمال بروز مشکلات سلوک، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه را در کودکان افزایش می‌دهد. از طرفی، افزایش استرس فرزندپروری بر کیفیت فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد و به‌طور غیرمستقیم، در شکل‌گیری رفتار اجتماعی کودکان نقش دارد (۸).

هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد که به آنها سبک‌های فرزندپروری می‌گویند. این سبک‌ها متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند. سبک فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به کودکان است که به ایجاد فضایی هیجانی منجر می‌شود که در آن، رفتارهای والدین در قبال فرزندان بروز می‌کند. این رفتارها هم دربرگیرنده رفتارهای مشخصی است که از راه آنها والدین به وظایف فرزندپروری خود عمل می‌کنند و هم رفتارهای غیرمرتبط با اهداف فرزندپروری را در بر می‌گیرد که شامل ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های

1- flexibility  
3- authoritative  
5- permissive

2- Baumrind  
4- authoritarian  
6- Leidy

برای گردآوری داده‌ها، ابزارهای زیر به کار برده شدند:

۱) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری<sup>۵</sup> (PAQ): این پرسشنامه، در سال ۱۹۹۱ توسط بوری<sup>۶</sup>، بر اساس نظریه سبک‌های فرزندپروری بامریند، ساخته شده است. پرسشنامه حاوی ۳۰ سؤال است و هر کدام از سه سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، ۱۰ سؤال را به خود اختصاص داده‌اند. الگوی پاسخ‌دهی به پرسش‌ها استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت است. بوری، با روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۸۱، سبک مستبدانه ۰/۸۶ و سبک مقتدرانه ۰/۷۸ به دست آورد و روایی محتوایی را مطلوب گزارش کرد (۱۵). اسفندیاری پایایی این ابزار را با شیوه بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته، برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، سبک مستبدانه ۰/۷۷ و سبک مقتدرانه ۰/۷۳ برآورد کرد و روایی محتوایی ارزیابی شده توسط ده روان‌شناس و روانپزشک را مطلوب دانست (۱۶).

۲) مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده<sup>۷</sup> (FACES-IV): این مقیاس توسط اولسون و همکاران، به منظور سنجش انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده ساخته شد و دارای ۸۴ سؤال است که شش زیرمقیاس فرعی مربوط به دو خرده‌مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده را ارزیابی می‌کند. این زیرمقیاس‌ها جنبه‌های متوازن<sup>۸</sup> (سالم) و نامتوازن<sup>۹</sup> (مشکل‌دار) کارکرد خانواده را می‌سنجند. زیرمقیاس‌های انسجام<sup>۱۰</sup> و انعطاف‌پذیری متوازن<sup>۱۱</sup> دو زیرمقیاس متوازن پرسشنامه، و زیرمقیاس‌های به‌هم‌تنیده<sup>۱۲</sup>، گسسته<sup>۱۳</sup>، آشفته<sup>۱۴</sup> و نامنعطف<sup>۱۵</sup> زیرمقیاس‌های نامتوازن آن هستند. سه زیرمقیاس (گسسته، انسجام متوازن و به‌هم‌تنیده)، بُعد انسجام و سه زیرمقیاس (نامنعطف، انعطاف‌پذیری متوازن و آشفته)، بُعد انعطاف‌پذیری را می‌سنجند (۱۷). ثبات درونی آزمون در جامعه ایرانی، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، برای نمره کل مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، و هر یک از خرده‌مقیاس‌های انسجام

مهاجر، به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی و انسجام خانوادگی بالاتر، به استفاده بیشتر والدین از شیوه‌های فرزندپروری مثبت منجر خواهد شد (۱۴). با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری و انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده در ایجاد و یا کاهش استرس فرزندپروری، این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال بود که آیا بین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری، با استرس فرزندپروری رابطه‌ای وجود دارد؟

## روش

طرح پژوهشی حاضر یک طرح همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادران کودکان ۳ تا ۶ ساله‌ای بود که فرزندان خود را در آبان ۱۳۹۲، به کودک‌سراهای محله منطقه یک تهران سپرده بودند. نمونه آماری پژوهش، بر اساس جدول کرجسی<sup>۱</sup> و مورگان<sup>۲</sup>، برای جامعه آماری ۴۵۰ نفری دارای پرونده سلامت در کودک‌سراهای انتخاب‌شده، ۲۰۸ نفر تعیین شد. اما به دلیل عدم پذیرش ۱۶ نفر از مادران جهت شرکت در این پژوهش، جمعاً ۱۹۲ نفر بررسی شدند. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بود. به این صورت که در مرحله اول، از بین ده ناحیه منطقه یک شهر تهران، پنج ناحیه انتخاب شدند. در مرحله بعد، از هر ناحیه یک کودک‌سرا به‌طور تصادفی انتخاب و نمونه مورد مطالعه از میان مادران مراجعه‌کننده به کودک‌سراهای محله برگزیده شد. به این ترتیب، از هر کودک‌سرا ۴۰ مادر انتخاب شدند. جهت اجرای پژوهش، ابتدا حمایت اداری و اجرایی شهرداری منطقه یک تهران جلب شد. سپس، از راه فرستادن نامه، مادران برای شرکت در این پژوهش دعوت شدند. برای ورود به مطالعه، والدین و فرزندان انتخاب شدند که در بررسی‌های انجام‌گرفته به هنگام پذیرش، سلامت روان والدین با استفاده از پرسشنامه ۲۸ سؤالی سلامت عمومی<sup>۳</sup> (GHQ-28) و سلامت روان کودکان با استفاده از پرسشنامه رفتاری کودکان راتر- نسخه والدین<sup>۴</sup> بررسی شده بود. این افراد فاقد اختلال روانی و رفتاری بودند و سیاهه رفتاری موجود در پرونده کودک نیز، فقدان مشکلات رفتاری و عصبی کودک را تأیید می‌کرد. در ضمن، نمونه شامل والدینی بود که با برگرداندن دعوت‌نامه رسمی، رضایت خود را جهت شرکت در این مطالعه اعلام کرده بودند.

- |  |                          |
|--|--------------------------|
| 1- Krejcie   | 2- Morgan                |
| 3- General Health Questionnaire-28                       |                          |
| 4- Rutter Children's Behavior Questionnaire- Parent Form |                          |
| 5- Parental Authority Questionnaire                      |                          |
| 6- Buri  |                          |
| 7- Family Adaptability and Cohesion Scale IV             |                          |
| 8- balanced  | 9- unbalanced            |
| 10- balanced cohesion                                    | 11- balanced flexibility |
| 12- enmeshed   | 13- disengaged           |
| 14- chaotic  | 15- rigid                |

مطالعه دیپلم، ۲۵/۴ درصد فوق دیپلم، ۵۲/۷ درصد کارشناسی و ۵/۷ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بود. همگی مادران در سازمان‌های دولتی و خصوصی شاغل بودند. ۶۳/۴ درصد این مادران یک فرزند، ۳۰ درصد دو فرزند و ۶/۶ درصد آنها سه فرزند داشتند. ۹۱/۲ درصد مادران مورد مطالعه با همسر و فرزندان خود زندگی می‌کردند و ۸/۸ درصد، خود سرپرست خانواده بودند.

میانگین نمرات مادران مورد مطالعه در خرده‌مقیاس انسجام متوازن ۲۲/۸ (انحراف معیار=۴/۰)، در خرده‌مقیاس انسجام گسسته ۱۹/۳ (انحراف معیار=۳/۱) و در خرده‌مقیاس انسجام به‌هم‌تنیده ۲۰/۸ (انحراف معیار=۳/۰) بود. میانگین نمرات مادران مورد مطالعه در خرده‌مقیاس انعطاف‌پذیری ۲۳/۳ (انحراف معیار=۳/۸)، در خرده‌مقیاس نامنعطف ۲۱/۳ (انحراف معیار=۲/۲) و در خرده‌مقیاس آشفته ۱۹/۸ (انحراف معیار=۳/۹) به‌دست آمد.

میانگین نمرات مادران مورد مطالعه در شدت استرس فرزندپروری ۹۶/۲ (انحراف معیار=۱۵/۲) بود. میانگین نمرات این مادران در سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه نیز، به ترتیب، ۳۰/۹ (انحراف معیار=۵/۴)، ۱۵/۶ (انحراف معیار=۵/۵) و ۱۳/۲ (انحراف معیار=۴/۹) محاسبه شد.

یافته‌ها (جدول ۱) نشان داد که بین نمرات انسجام متوازن با شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط معکوس و معنی‌دار، و بین نمرات انسجام گسسته و به‌هم‌تنیده با شدت استرس فرزندپروری مادران، ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود دارد ( $p < 0.01$ ).

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام (جدول ۲) نشان داد که به‌طور کلی، مجموع متغیرهای به‌کاررفته (ابعاد انسجام خانواده) ۶۷/۶ درصد از واریانس استرس فرزندپروری مادران را تبیین می‌کردند ( $F=130/484$ ;  $R^2=0/676$ ). هر سه بُعد انسجام خانواده، قادر به پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران به‌صورت معنی‌دار بودند. انسجام متوازن با ضریب تبیین ۰/۵۵۲، بیشترین تأثیرگذاری را در پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران به خود اختصاص داده بود.

متوازن، انعطاف‌پذیری متوازن، گسسته، به‌هم‌تنیده، نامنعطف و آشفته، برای پدران، به ترتیب، ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶، ۰/۷۰، ۰/۶۰ و ۰/۵۸، برای مادران، به ترتیب، ۰/۷۲، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۹، ۰/۵۶ و ۰/۶۲، و برای فرزندان خانواده، به ترتیب، ۰/۵۹، ۰/۷۷، ۰/۶۹، ۰/۷۴، ۰/۵۲ و ۰/۵۵ به‌دست آمده است. بررسی روایی هم‌گرا و واگرا از راه محاسبه ضریب همبستگی مؤلفه‌های این پرسشنامه با مقیاس اضطراب، افسردگی و استرس<sup>۱</sup> (DASS) و مقیاس استرس فرزندپروری - نسخه کوتاه<sup>۲</sup> (PSI-SF)، رضایت‌بخش بوده است (۱۸).

۳) مقیاس استرس فرزندپروری - نسخه کوتاه (PSI-SF): این مقیاس یک ابزار ۳۶ گویه‌ای خودگزارشی است که به‌وسیله آیدین<sup>۳</sup>، برای اندازه‌گیری شدت استرس در رابطه کودک - والد و شناسایی منابع استرس روان‌شناختی آنها طراحی شده است. منابع عمده استرس، یعنی ویژگی‌های کودک و مراقب او، شامل تجارب استرس‌زای موقعیتی، اندازه‌گیری می‌شود. این مقیاس شامل پاسخ‌های دفاعی نیز هست که برای مشخص کردن منابع استرس گزارش نشده به‌وسیله والدین، طراحی شده است. از این رو، قدرت تفکیک والدین بهنجار و بیمار را دارد. الگوی پاسخ‌دهی به گویه‌ها، استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق: [۱] تا کاملاً مخالف: [۵]) است. این ابزار، دارای سه زیرمقیاس سنجش آشفتگی والدین<sup>۴</sup>، تعاملات ناکارآمد والد-کودک<sup>۵</sup> و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین<sup>۶</sup> است (۸). ضریب آلفای کرونباخ در مادران ایرانی برای نمره کل استرس والدین و هریک از زیرمقیاس‌های آشفتگی والدین، تعامل ناکارآمد والد-کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین، به ترتیب، ۰/۹۰، ۰/۸۰، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ بود. روایی هم‌گرا از راه تعیین ضریب همبستگی با مقیاس اضطراب، افسردگی و استرس (DASS) و پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان<sup>۷</sup> (CBCL)، مناسب گزارش شده است (۱۹).

پرسشنامه‌های این مطالعه، در آبان ۱۳۹۲، در فاصله دو هفته تکمیل شدند و داده‌های به‌دست‌آمده، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-18<sup>۸</sup> تجزیه و تحلیل شدند. برای آزمون فرضیه‌ها، با فرض  $\alpha=0/05$ ، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری گام‌به‌گام استفاده شد.

## یافته‌ها

میانگین سن مادران مورد مطالعه ۳۰/۶ سال و در محدوده ۲۴ تا ۳۵ سال بود. سطح تحصیلات ۱۶/۲ درصد مادران مورد

1- Depression, Anxiety and Stress Scale  
2- Parenting Stress Index- Short Form  
3- Abidin 4- parental distress  
5- parent-child dysfunctional interaction  
6- difficult child  
7- Child Behavior Checklist  
8- Statistical Package for the Social Sciences-18

**جدول ۵ - ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری با استرس فرزندپروری در مادران مورد مطالعه (۱۹۲ نفر)**

متغیرها	فرزندپروری	فرزندپروری	فرزندپروری
	مقتدرانه	مستبدانه	سهل‌گیرانه
استرس فرزندپروری	-۰/۰۴۹	*۰/۶۴۳	*۰/۲۱۹

\*p<۰/۰۱

**جدول ۶ - خلاصه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران بر اساس ابعاد سبک‌های فرزندپروری**

متغیر	B	β	سطح معناداری
ثابت	۶۰/۳۹۶	-	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱/۷۳۴	۰/۶۳۰	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۶۶۸	۰/۱۷۱	۰/۰۰۲

نتایج تحلیل رگرسیون (جدول ۶) نشان داد که مجموع متغیرهای به کاررفته (ابعاد انعطاف‌پذیری خانواده) ۶۴/۳ درصد از واریانس استرس فرزندپروری مادران را تبیین می‌کردند ( $R^2=۰/۶۴۳$ ;  $F=۱۷۰/۲۸۸$ ) و از بین ابعاد انعطاف‌پذیری خانواده، انعطاف‌پذیری آشفته و متوازن، قادر به پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران به صورت معنی‌دار بودند. انعطاف‌پذیری آشفته با ضریب تبیین ۰/۵۱۰، بیشترین تأثیرگذاری را در پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران داشت.

مطابق جدول ۵، بین نمرات فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با شدت استرس فرزندپروری ارتباط مستقیم و معنی‌دار دیده شد ( $p<۰/۰۱$ ). با این حال، بین نمرات فرزندپروری مقتدرانه با شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط معنی‌دار یافت نشد ( $p=۰/۸۵$ ). بر اساس تحلیل رگرسیون (جدول ۶)، مجموعه نمرات سبک‌های فرزندپروری ۴۴/۲ درصد از واریانس استرس فرزندپروری مادران را تبیین کردند ( $R^2=۰/۴۴۲$ ;  $F=۷۴/۸۸۰$ ) و از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه توانستند استرس فرزندپروری مادران را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی کنند.

### بحث

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه میان انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری از یک سو،

**جدول ۱ - ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد انسجام خانواده با استرس فرزندپروری در مادران مورد مطالعه (۱۹۲ نفر)**

متغیرها	انسجام متوازن	گسسته	به هم‌تنیده
استرس فرزندپروری	*-۰/۷۵۸	*۰/۵۹۴	*۰/۵۱۸

\*p<۰/۰۱

**جدول ۲ - خلاصه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران بر اساس ابعاد انسجام خانواده**

متغیر	B	β	سطح معناداری
ثابت	۹۸/۵۰۳	-	۰/۰۰۱
انسجام متوازن	-۲/۰۹۳	-۰/۵۵۲	۰/۰۰۱
گسسته	۱/۳۵۱	۰/۲۷۲	۰/۰۰۱
به هم‌تنیده	۰/۹۲۹	۰/۱۸۳	۰/۰۰۱

همچنین، همان‌طوری که در جدول ۳ دیده می‌شود، بین انعطاف‌پذیری متوازن با شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط معکوس و معنی‌دار، و بین انعطاف‌پذیری آشفته با شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود داشت ( $p<۰/۰۱$ ). اما میان انعطاف‌پذیری نامتعطف و شدت استرس فرزندپروری مادران ارتباط معنی‌داری دیده نشد ( $p=۰/۸۹$ ).

**جدول ۳ - ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد انعطاف‌پذیری خانواده با استرس فرزندپروری در مادران مورد مطالعه (۱۹۲ نفر)**

متغیرها	انعطاف‌پذیری متوازن	نامتعطف	آشفته
استرس فرزندپروری	*-۰/۶۸۷	۰/۰۳۲	*۰/۷۳۸

\*p<۰/۰۱

**جدول ۴ - خلاصه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران از طریق ابعاد انعطاف‌پذیری خانواده**

متغیر	B	β	سطح معناداری
ثابت	۹۲/۹۲۶	-	۰/۰۰۱
آشفته	۱/۹۶۴	۰/۵۱۰	۰/۰۰۱
متوازن	-۱/۵۳۰	-۰/۳۸۸	۰/۰۰۱

و شدت استرس فرزندپروری مادران از سوی دیگر بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین انسجام متوازن با استرس فرزندپروری مادران ارتباط معکوس و معنی‌دار وجود دارد. اما این رابطه بین انسجام گسسته و به‌هم‌تنیده با استرس فرزندپروری مادران مستقیم و معنی‌دار است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هر سه بُعد انسجام خانواده، قادرند در پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران کمک کنند. اما انسجام متوازن با ضریب تبیین ۰/۵۵۲، بیشترین تأثیرگذاری را در پیش‌بینی استرس فرزندپروری مادران داشت. می‌توان گفت که والدین با انسجام مناسب، حمایت و همراهی یکدیگر می‌توانند مشکلات ناشی از فرزندپروری و سطح استرس فرزندپروری خود را کاهش دهند. چوی<sup>۱</sup> و همکاران در پژوهش خود با بررسی رابطه بین انسجام خانواده و صمیمیت، نشان دادند که هرچه انسجام خانواده بیشتر باشد، صمیمیت بیشتر می‌شود و والدین دارای انسجام و صمیمیت مطلوب توان مقابله مؤثر با استرس فرزندپروری را دارا هستند. از سوی دیگر، عدم حمایت شوهر در تربیت کودک نیز به استرس مادران دامن می‌زند (۲۰). با آنکه علل چندگانه‌ای برای استرس والدین شناخته شده‌اند، روابط خانوادگی، حمایت خانوادگی و همراهی همسران با همدیگر ممکن است به کاهش استرس فرزندپروری آنان منجر شود. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش با دیدگاه اولسون (۴) و نتایج بررسی دی‌گراف<sup>۲</sup> و همکاران (۵) که معتقدند سطح آرمانی انسجام خانوادگی، سطح میانی، یعنی انسجام متوازن، است، هم‌خوانی دارد و در دو سطح انتهایی، یعنی خانواده‌های به‌هم‌تنیده و گسسته، انسجام خانوادگی خیلی بالا یا خیلی پایین است که در این موارد خانواده نامتعادل خواهد بود.

این بررسی نشان داد که بین انعطاف‌پذیری متوازن با استرس فرزندپروری مادران ارتباط معکوس و معنی‌دار و بین انعطاف‌پذیری آشفته با استرس فرزندپروری مادران ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به‌عبارت دیگر، با کاهش نمره فرد در انعطاف‌پذیری متوازن و افزایش نمره او در انعطاف‌پذیری آشفته، شدت استرس فرزندپروری مادران افزایش می‌یابد. به گفته اولسون، اولین کیفیت مرتبط با انعطاف‌پذیری غلبه بر بحران و استرس است. بروز بحران در همه خانواده‌ها محتمل است، ولی خانواده‌های پایدار به‌شکل مناسبی با آن برخورد می‌کنند و همدیگر را مقصر نمی‌دانند. در عوض، آنها سعی می‌کنند که خانواده را از بحران نجات دهند و یا از دیگری کمک بخواهند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر نیز در راستای دیدگاه اولسون است که نشان

داد انعطاف‌پذیری بالاتر در خانواده به تسلط بیشتر بر استرس‌های زندگی، از جمله استرس فرزندپروری، منجر می‌شود (۴). در نتیجه، خانواده‌های انعطاف‌پذیر و متوازن استرس فرزندپروری کمتری دارند، اما خانواده‌های آشفته استرس فرزندپروری بالاتری را تجربه می‌کنند.

این مطالعه همچنین نشان داد بین فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با استرس فرزندپروری مادران، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، قادرند استرس فرزندپروری مادران را به‌صورت معنی‌داری پیش‌بینی کنند. یافته‌های این مطالعه با نتایج بررسی‌های انجام گرفته توسط بامریند (۹) و لیدی و همکاران (۲۰) هم‌خوانی دارد. آنها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که شیوه فرزندپروری مقتدرانه، مؤثرترین روش فرزندپروری است و کودکان والدینی که سبک فرزندپروری آنها مستبدانه و سهل‌گیرانه است، همواره مشکلات رفتاری بیشتری نشان می‌دهند. این اختلالات رفتاری ناشی از برخورد مستبدانه یا سهل‌گیرانه والدین هستند و ممکن است به افزایش سطح استرس فرزندپروری والدین بیانجامند. والدینی که فرزندپروری سهل‌گیرانه دارند، غالباً به پذیرش فرزندان خود متمایلند، اما در مواردی که این احساس پذیرش وجود ندارد، استرس فرزندپروری آنها افزایش می‌یابد. والدین مستبد نیز، با افراط در عدم پذیرش، انعطاف‌ناپذیری قوانین و تلاش برای کنترل بیشتر فرزندان، بر شدت استرس فرزندپروری خود می‌افزایند.

بررسی‌های موجود در زمینه شیوه‌های فرزندپروری در والدینی که کودکان دچار مشکلات رفتاری و ناتوانی‌های ذهنی دارند (۱۴-۱۰)، گویای آن است که این والدین، نسبت به والدین فرزندان بهنجار، استرس فرزندپروری بیشتری را تجربه می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که با برگزاری دوره‌های آموزش فرزندپروری می‌توان استرس‌های فرزندپروری را کاهش و خودکارآمدی را در والدین افزایش داد.

گفتنی است مطالعه حاضر صرفاً به بررسی استرس فرزندپروری و سبک‌های والدینی مادرانی پرداخته است که کارمند سازمان‌های دولتی و خصوصی بوده‌اند. علاوه بر این مسأله، با توجه به عدم کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده، لازم است که در تعمیم نتایج به کل جامعه، احتیاط لازم صورت گیرد. در نهایت، با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر

8. Abidin RR. Parenting Stress Index: Professional Manual. 3rd ed. Odessa, FL: Psychol Assess Res Inc; 1995.
9. Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Develop Psychol Monographs* 1991; 1(Pt2):1-102.
10. Barkley RA. Taking Charge of ADHD. 2nd ed. New York: Guilford; 2010.
11. Hassall R, Rose J, McDonald J. Parenting stress in mothers of children with an intellectual disability: the effects of parental cognitions in relation to child characteristics and family support. *J Intel Disab Res* 2005; 49(6):405-18.
12. Davis NO, Carter AS. Parenting stress in mothers and fathers of toddlers with autism spectrum disorders: Associations with child characteristics. *J Aut and Develop Dis* 2008; 38(7):1278-91.
13. Motavalipur A, Rashidi A, Habibi-Askarabadi M. Comparison of parenting stress in mothers of normal and exceptional children. *J Beh Sc mag* 2009; 7(2):175-81. [Persian]
14. Leidy MS, Guerra NG, Toro RI. Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. *J Fam Psychol* 2010; 24(3): 252-260.
15. Buri J. Parental Authority Questionnaire. *J Pers Assess* 1997; 57:110-119.
16. Esfandiari GR. Comparative study of parenting styles in mothers of normal and behavioral disorders children. [dissertation]. [Tehran] Tehran Psychiatric Institute, 1994 [persian].
17. Olson DH, Gorall DM. *FACES-IV and the circumplex model*. Minneapolis; Life Innovations, Inc. 2006.
18. Mazaheri MA, Habibi M, Ashuri A. Persian version of psychometric characteristics of FACES-IV. *Ir Psychand Clin Psychol* 2013; 19(4):314-25. [Persian]
19. Fadaei Z, Dehghani M, Tahmasian K, Farhadi F. Investigating reliability, validity and factor structure of parenting stress- short form in mother's of 7-12 year-old children. *J Beh Sc Mag* 2010; 8(2):81-91 [Persian].
20. Choi A. The relationship between family cohesion and intimacy in dating relationship: A study based on attachment and exchange theories. *SS Student E Journal* 2012; 1:91-109.

وجود ارتباط سبک‌های فرزندپروری با استرس فرزندپروری مادران، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی عوامل مؤثر بر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و نیز، سبک‌های فرزندپروری نیز بررسی شوند تا بتوان با شناخت این عوامل و با برگزاری دوره‌های آموزشی شیوه‌های فرزندپروری مثبت برای والدین، شدت استرس فرزندپروری را در آنان کاهش داد. همچنین، با توجه به تأثیر عوامل مربوط به کارکرد خانواده (انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده) بر کاهش استرس فرزندپروری والدین، پیشنهاد می‌شود که برای درمان استرس فرزندپروری والدین، به‌ویژه مادران، به نقش عوامل حمایتی در خانواده، توجه بیشتری مبذول شود.

[این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نویسنده اول است].

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

## منابع

1. Harris AE, Curtin L. Parental perception, early maladaptive schemas and depressive symptoms in young adult. *Cog Ther and Res* 2002; 26(3): 405-16.
2. Kazdin AE. Arbitrary metrics: implications for identifying evidence-based treatments. *Am Psychol* 2006; 61(1):42-9.
3. Karimi AA. The relationship between family functioning with identity styles and religious orientation of 3rd grade of High school students.[dissertation]. [tehran]: Tehran University; 2010. [Persian]
4. Olson DH. Circumplex model of marital and family systems. *J Fam Ther* 2000; 22(2):144 -67.
5. DeGraaf H, Van de Schoot R, Woertman L, Hawk ST, Meeus W. Family cohesion and romantic and sexual initiation: A three wave longitudinal study. *J Youth Adolesc* 2011; 41(5):583-92.
6. Mijung P, Unützer J, Grembowski D. Ethnic and gender variations in the associations between family cohesion, family conflict, and depression in older asian and latino adults. *J Imm Min Heal* 2013; 49(6):405-18.
7. Johnson JH, Reader SK. Assessing stress in families of children with ADHD: Preliminary development of the Disruptive Behavior Stress Inventory. *J Clin Psychol in Med Set* 2002; 9(1):51-62.

## Original Article

## The Relationship between Solidarity and Flexibility of the Family and the Styles of Parenting to Stress of Mothers in Child Breeding District 1 of Tehran

### Abstract

**Objectives:** The aim of the present study was evaluation the relationship between solidarity and flexibility of the family and the styles of parenting to the severity of the stress of mothers in Child Breeding in the district 1 of Tehran. **Method:** The statistics community of this study included mothers of children aged between 3 to 6 years, and also these mothers have taken their children to the kindergartens of the district 1 of Tehran. The statistical samples in this study consisted of 192 mothers who were selected randomly. The mothers completed the questionnaire of the Bamrind Method of Parenting , the questionnaire the Scale of Solidarity and Flexibility of the Family and the questionnaire of the Stress of Mothers in Child Breeding. **Results:** The results demonstrated that there is meaningful correlation between solidarity and flexibility of the family and the methods of parenting to the severity of the stress of mothers in child breeding ( $P<0.01$ ). The results of the multi-variant regression analysis indicated that the balanced solidarity, disturbed flexibility and autocratic parenting have the most effects on prediction of the stress of mothers in child breeding. **Conclusion:** Solidarity and flexibility of the family as well as the methods of parenting have positive correlation to the severity of the stress of parents in upbringing the children.

**Key words:** *olidarity and flexibility of family; styles of child breeding; stress of child breeding*

[Received: 14 January 2014; Accepted: 21 January 2015]

*Mojgan Dalaei\**, *Ahmad Ashouri*<sup>a</sup>,  
*Mojtaba Habibi*<sup>b</sup>

\* Corresponding author: Department of Psychology, School of Human of Sciences, Islamic Azad University of Saveh, Saveh, Iran, IR.  
Fax: +9821-22027208  
E-mail: mojangdalaei@yahoo.com

<sup>a</sup> Mental Health Research Center, Tehran Institute of Psychiatry- School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran; <sup>b</sup> Family Researcher Centre, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

۱۷۴  
۱۷۴